

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

بهرام رحمانی

۱۰/۱۱/۰۱

انتشار اسناد تکان دهنده

اشغال نظامی افغانستان و عراق!

در عصر مدرن و در اوج انقلابات تکنولوژیکی و اوج یک تازی سیستم سرمایه داری جهانی، «اشغال نظامی»، «جنگ»، «تروریسم»، «کشتارهای دسته جمعی»، «سرکوب های سیاسی و خشونت»، «نابرابری و استثمار»، «فقر و ناداری» و «سانسور و اختناق»، همواره از جوامع بشری قربانی می گیرد.

جدا از وقایع مهم دو دهه اخیر در آغاز هزاره سوم، نخست در دوره ریاست جمهوری پدر بوش و سپس پسر بوش روی داد، وقایعی چون فروپاشی شوروی، اولین جنگ خلیج، رویداد ۱۱ سپتامبر، جهانی شدن تروریسم و اشغال نظامی افغانستان و عراق و... روابط مشکوک خانواده بوش با خانواده اسامه بن لادن، رهبر القاعده و گروه های تروریستی در افغانستان و عراق و غیره وقایع مهم تاریخی هستند که چهره سیاسی و نظامی جهان را تغییر داده اند. اما هنوز هم اسرار واقعی پشت پرده بسیاری از این وقایع هولناک، به درستی علنی نشده است.

سران کشورهای مختلف جهان که هر کدام به نوعی به یک سلسله سرمایه دار و شرکت های چندملیتی و سیاست مداران کهنه کار وابسته هستند با پنهان کاری های فوق العاده اهداف سیاسی، دیپلماتیک و نظامی خود را پیش می برند. برای مثال دونالد رامسفلد، وزیر دفاع وقت دولت امریکا، همواره این جمله چرچیل را به کار می برد که «حقیقت آن قدر ارزش دارد که باید برای حفظ آن دروغ گفت» و این جمله و یا جملاتی شبیه آن، همواره از زبان خانواده بوش گرفته تا سران حکومت اسلامی جاری می شود. بنابراین، در جهان مدرن امروزی بیش از هر زمان دیگری از تاریخ بشر می بینیم که چگونه پول، تجارت و سیاست نوعی بازی پیچیده با ابهام، اطلاعات غیرواقعی و دروغ و تقلب دایمی در هم آمیخته اند.

روز شنبه ۲۳ اکتبر ۲۰۱۰، وب سایت «ویکی لیکس»، ۴۰۰ هزار سند محرمانه درباره جنگ عراق را منتشر کرد. صدها هزار سند از گزارش های دقیق و روزانه ارتش امریکا در جنگ عراق، مربوط به سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ را منتشر کرد. ویکی لیکس، پیش از این نیز اسناد اشغال افغانستان را منتشر کرده بود.

انتشار این اسناد، به ویژه با اعتراض شدید دولت های افغانستان، عراق، حکومت اسلامی ایران، انگلستان، ناتو و در راس همه دولت امریکا روبرو شده است. دولت هائی که هر کدام در جنگ و کشتار و تروریسم در عراق و افغانستان در جهت منافع خود، نقش مستقیم و غیرمستقیم داشته اند و هنوز هم دارند.

در پی انتشار اسناد نظامی امریکا از جنگ افغانستان توسط ویکی لیکس، دولت امریکا، از ویکی لیکس خواسته بود تا از انتشار اسناد خودداری کند و آن را فوراً از اینترنت خارج سازد. پنتاگون نیز ادعا کرده بود انتشار این اسناد «جان سربازان امریکائی و شرکای نظامی آن ها را به خطر می اندازد».

بر اساس اسناد تازه منتشر شده ویکی لیکس که به ۴۰۰ هزار سند می رسد، پس از تهاجم سال ۲۰۰۵ «صدها» غیرنظامی عراقی در ایست های بازرسی ارتش امریکا کشته شدند.

بر اساس این مدارک، ارتش امریکا تعداد کشته های عراقی را ۱۰۹ هزار نفر برآورد کرد که ۶۶ هزار و ۸۱ تن از آن ها غیرنظامی بودند. این در حالیست که پنتاگون پیش تر اعلام کرده بود که آمار قربانیان غیرنظامی را ثبت نمی کند.

این اسناد از جمله، شکنجه در زندان های عراق و تعداد غیرنظامیانی که جان خود را از دست داده اند. این اسناد هم چنین به دخالت حکومت اسلامی در عراق و نقش آن در تسلیح و آموزش شبه نظامیان مخالف اشاره دارند.

اما «ژولیان آسانژ»، پایه گذار ویکی لیکس، به خبرنگار سی.ان.ان. گفته است: این اسناد را روز شنبه صبح، در یک کنفرانس مطبوعاتی در لندن به رسانه ها معرفی کردیم. اسناد نشان می دهند که ارتش امریکا از به کار بردن شکنجه در زندان های عراق با خبر بوده و اکثراً برای جلوگیری از آن اقدامی نکرده است. این اسناد هم چنین نشان می دهند سربازان امریکائی پس از بستن خیابان ها صدها نفر از عراقی ها را به قتل رسانده اند. طبق گزارش های داخلی ارتش امریکا، بین سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ روی هم رفته ۱۰۹ هزار عراقی کشته شده اند که ۶۳ درصد (بیش از ۶۸ هزار نفر) از آن ها غیرنظامی بوده اند.

به گزارش شبکه خبری «سی بی سی»، هیلاری کلینتون، وزیر خارجه امریکا، در واکنش به این اقدام ویکی لیکس آن را «به صریح ترین وجه» محکوم کرده و گفته است که این عمل «جان نظامیان و غیرنظامیان امریکائی و شرکای امریکا را به خطر می اندازد».

در حالی که آسانژ، در واکنش به این ادعای دولت امریکا که «در اثر انتشار اسناد جان سربازان امریکائی و هم پیمان های امریکا به خطر می افتد»، گفته است در مورد انتشار اسناد جنگ افغانستان گفت: «ما هیچ گزارشی نداریم که در اثر انتشار این اسناد به کسی صدمه ای وارد آمده باشد».

آسانژ، مؤسس ویکی لیکس در گفتگو با رسانه ها گفت: «این اسناد نشان می دهند که نیروهای نظامی خارجی و مأموران دولت عراق مرتکب جنایات جنگی شده اند».

آسانژ، به خبرنگاران گفته است هم جنگ عراق و هم جنگ افغانستان «جنگ های مدرن غرب هستند که در آن ها از مدت ها پیش از جنگ و مدت ها پس از جنگ حقیقت در پرده می ماند» وی گفت در سایت اینترنتی خود باز هم به افشاگری ادامه خواهد داد: «ما امیدواریم برخی از این حملاتی را که به حقیقت می شود تصحیح کنیم».

اسنادی که تاکنون منتشر شده اند فقط نمایشگر تصویر جامعی از طرز دید ارتش امریکا است و نه درباره نقش سازمان های جاسوسی یا دیگران، از جمله سازمان های غیر رسمی.

ویکی لیکس، در ماه ژوئیه ۷۷ هزار سند درباره جنگ افغانستان منتشر کرد که سخت موجب خشم دولت امریکا شد. به گزارش روزنامه گاردین این اسناد نیز از همان منبع سابق گرفته شده اند.

مایک مالن، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، انتشار تازه اسناد مرتبط با جنگ عراق از سوی ویکی‌لیکس را محکوم کرد و ادعا نمود که این کار جان افراد را به خطر می‌اندازد.

در همین حال جولین اسانج، یکی دیگر از موسس گروه ویکی‌لیکس، از اقدام وب‌سایت این گروه در انتشار صدها هزار سند جنگ عراق دفاع کرد و اظهار داشت که این اسناد واقعیت‌های این جنگ را بازگو می‌کنند.

این اسناد، تصویر مهیبی از شکنجه مخالفان توسط ماموران دولتی عراق را ترسیم می‌کند و در این اسناد شمار کشته‌شدگان غیرنظامی این جنگ بیش از آمارهای گذشته عنوان می‌شود.

در این میان کریستین هرافنسون، سخن‌گوی گروه ویکی‌لیکس در بیانیه‌ای اعلام کرده که این گروه تصمیم دارد به زودی ۱۵ هزار دوسیه محرمانه دیگر از جنگ افغانستان را منتشر کند.

به نوشته خبرگزاری فرانسه، این اسناد طبقه‌بندی شده هم چنین «نشان دهنده» آن است که نیروهای انتظامی عراق به شکنجه مخالفان اقدام کرده‌اند و نیروهای آمریکایی کوششی برای توقف این شکنجه‌ها انجام نداده‌اند.

شبکه خبری الجزیره که در میان چند سازمان خبری است که این اسناد را زودتر از انتشار بر روی وب‌سایت ویکی‌لیکس از مدیران این سایت دریافت کرده می‌گوید که بر پایه این اسناد در میان سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ «تعداد ۶۶ هزار غیرنظامی در عراق جان باخته‌اند».

به گفته الجزیره، «تعداد تلفات در عراق طی این سال‌ها ۲۸۵ هزار نفر بوده که دست کم ۱۰۹ هزار مورد آن کشته شدن افراد است که دو سوم آن یعنی ۶۶ هزار نفر مربوط به غیرنظامیان می‌شود».

نشریات نیویورک تایمز، اشپگل، روزنامه انگلیسی‌گاردین و لوموند فرانسوی، هر یک به ارزیابی این اسناد که مربوط به ژانویه ۲۰۰۴ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۹ است پرداخته‌اند. اسناد حکایت از درماندگی نیروهای نظامی آمریکا دارند و نشان می‌دهند که حتی زندگی عادی و روزمره نیز در عراق آغشته به خون است.

نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق، با انتشار در بیانیه‌ای ویکی‌لیکس را متهم کرد که با هدف مختل کردن روند سیاسی عراق و تحریک احساسات عمومی علیه احزاب ملی، رهبران و به ویژه شخص نخست‌وزیر این کار را انجام داده است. او گفت: «مردم عراق از این بازی‌ها و حباب‌های رسانه‌ای که با انگیزه شناخته شده سیاسی انجام می‌شود آگاهند».

آندرس فوگ راسموسن، دبیرکل پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو، نیز روز جمعه نسبت به «خطرات انتشار این اسناد برای جان نظامیان و شهروندان» هشدار داد.

بر اساس این اسناد، ۷۰۰ شهروند عراقی در نقاط ایست بازرسی و گشتی‌های نیروهای ائتلاف کشته شدند و عناصر امنیتی شرکت آمریکایی «بلک واتر» بدون هیچ بازخواست و مجازاتی شهروندان عراقی را به قتل رساندند.

در اسناد منتشر شده، دست کم درباره ۱۴ مورد جدید کشتار غیرنظامیان به دست نیروهای امنیتی بلک واتر اشاره شده است. این شمار بر ۱۰ مورد کشتار غیرنظامیان به دست کارکنان این شرکت امنیتی در سال ۲۰۰۷ اضافه می‌کند.

در این سال، کاروان بلک واتر در مرکز بغداد به سوی غیرنظامیان تیراندازی کرد که ۱۷ نفر کشته و ۱۸ نفر دیگر زخمی شدند. در آن روز نیز کاروان بلک واتر یک دیپلمات را اسکورت می‌کرد.

این شرکت برای خدمات خود در عراق ۴۶۷ میلیون دلار پول می‌گرفت ولی دولت عراق هیچ نظارتی بر فعالیت‌های این شرکت نداشت.

نخستین مورد کشتار گزارش شده، ۱۴ می سال ۲۰۰۴ بود که در آن نیروهای امریکائی شاهد این تیراندازی بودند که در آن نیروهای بلک واتر به سوی یک خودروی غیر نظامی شلیک کرده اند. در این تیراندازی، پدر خانواده کشته و مادر و دختر خانواده نیز زخمی شدند.

در می سال ۲۰۰۶، نیروهای بلک واتر به سوی یک آمبولانس تیراندازی کردند و براساس سند منتشر شده، راننده آمبولانس بر اثر تیراندازی کنترل نشده کشته شد. با این وجود در آن زمان، بلک واتر درباره دست داشتن یا نداشتن خود در این تیراندازی نظری نداد.

براساس اسناد، شرکت بلک واتر صدها کاروان دیپلماتیک را همراهی می کردند که برخی از این تیراندازی ها، نه دفاع از خود بلکه از سر از دست دادن کنترل بر خویشتن نیروهای این شرکت بود.

در سال ۲۰۰۷ دولت عراق، خروج بلک واتر از این کشور را خواستار شد ولی این شرکت چنین درخواستی را نادیده گرفت. سال بعد دولت امریکا قرارداد بلک واتر در عراق را تمدید کرد. هیچکدام از کارکنان بلک واتر به علت کشتار غیرنظامیان عراقی مجازات نشدند.

هم چنین این اسناد نشان می دهد آزار و شکنجه زندانیان بسیار بیش تر از آن چیزی است که پیش تر تصور می شد. فرماندهان امریکائی که در آن زمان مسئولیت داشتند از این امر چشم پوشی کرده اند.

در یکی از این گزارش ها، امریکائی ها انگشت یک افسر ارتش عراق را که به وی مشکوک بودند بریده و وی را با اسید سوزاندند.

بلک واتر، یک شرکت خصوصی نظامی است که نیروهای تحت امر خود را با دریافت پول های کلانی در اختیار دولت ها قرار می دهد. این نیروها، آموزش های ویژه ای برای شرکت در جنگ ها، ترورها و سرکوب شورش های مردمی دیده اند در واقع نیروهای حرفه ئی که صرفا با دریافت پول، برای کشتن انسان ها در همه جای کره زمین آمادگی دارند.

براساس گزارش ویکی لیکس، بیش از ۳۰۰ مورد شکنجه و آزار به دست نیروهای ائتلاف و بیش از هزار مورد جرائم مشابه به دست نیروهای عراقی گزارش شده است.

اسناد به دست آمده به برخورد با زندانیان، گفت وگو بین مسئولان امریکائی و شخصیت های سیاسی عراق، انفجار مین ها و عملیات «تدارکاتی» هم مربوط می شود.

ویکی لیکس، پیش از این ۹۲ هزار سند مربوط به جنگ نیروهای ائتلافی در افغانستان را در ماه جولای منتشر کرده بود.

هم چنین در بخشی از این اسناد در خصوص کمک تسلیحاتی ایران به شبه نظامیان عراقی مطرح شده است. رسانه های مختلف با بررسی این اسناد ۴۰۰ هزار صفحه ای، مطالب مرتبط با ایران را نیز در لابلای این اسناد چنین گزارش کرده اند:

به گزارش «اشپیگل آن لاین»، بسیاری از اسناد محرمانه انتشار یافته در مورد جنگ عراق راجع به ایران است. در این اسناد آمده است، از طریق ایران نیز، از جمله از راه آبی، اسلحه وارد عراق می شده است. اسناد نشان می دهند، نیروهای ارتش امریکا مرز عراق و ایران را با سوء ظن خاصی زیر نظر داشته اند.

در یکی از گزارش ها نسبت به قایقی هشدار داده شده که در روز اول فبروری ۲۰۰۷ در بصره پهلو گرفته بوده است. قایق از ایران می آمده و به طور رسمی حامل مرغ و تخم مرغ بوده، اما نیروهای امنیتی وزارت دفاع عراق اطلاع داده اند که میان تخم مرغ ها و مرغ ها ۸۰ موشک کاتیوشا مخفی بوده است.

پروتکلی دیگر حاکی از آن است که در روز ۱۷ اپریل ۲۰۰۸ در مرز ایران و عراق میان قاچاقچیان و نیروهای امنیتی عراقی تیراندازی صورت گرفته است. طبق پروتکل، عراقی‌ها اسلحه فروش‌ها را بیرون می‌رانند و آن‌ها به طرف ایران می‌گریزند و بار سنگین خود را که بر پشت الاغ حمل می‌شده بر جای می‌گذارند. الاغ‌ها ۱۶۳ مین ضدتانک را حمل می‌کرده‌اند.

هم‌چنین طبق یکی از گزارش‌ها، «ارتش شیعی مهدی» در روز ۱۳ اکتبر ۲۰۰۶ تعداد زیادی موشک کاتیوشا، به بهای هر عدد ۵۰۰ دلار، از ایران خریده و آن‌ها را در یکی از مساجد شهر بصره انبار کرده است. طبق این گزارش، این موشک‌ها سپس به پایگاه‌های مختلفی در شهر بصره منتقل شده‌اند. کمی پس از آن «ارتش مهدی»، هشدار داده است که اگر انگلیسی‌ها شهر را ترک نکنند، دست به انجام عملیات خواهد زد.

به نوشته «اشپگل آن‌لاین»، در اسنادی که منتشر شده، این‌جا و آن‌جا به ارتباط با ایران اشاره شده است. اسناد حاکی از آن‌اند که آمریکا در پی دست یافتن به شواهد حمایت ایران از شبه‌نظامیان شیعی در عراق بوده است. پروتکل‌های محرمانه نشان می‌دهند که از طریق ایران اسلحه به عراق وارد می‌شده است.

روزنامه بریتانیایی گاردین، می‌نویسد: بررسی‌های گاردین از گزارش‌های منتشر شده توسط ویکی‌لیکس نشان می‌دهد که عوامل ایران اقدام به آموزش، تسلیح و هدایت جوخه‌های مرگ در عراق کرده‌اند و هدف این جوخه‌ها هم کشتن سیاستمداران عراقی و ضربه زدن به عملیات‌های نظامیان بریتانیایی و آمریکایی در عراق بوده است.

ارزیابی‌های نظامی ذکر کرده است که راکت‌هایی که ایران به دست عوامل عراقی داده حاوی مواد ایجادکننده فلج اعصاب بوده‌اند و گزارشی دیگر هشدار داده است که یک نفربر زرهی حامل گازهای شیمیایی برای یک حمله گسترده به منطقه سبز بغداد که مقر سفارتخانه‌های آمریکا و بریتانیا و ساختمان‌های اصلی دولتی عراق است در حال آماده شدن بوده است.

یک گزارش طبقه‌بندی شده ارتش آمریکا در تاریخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۵ می‌نویسد که سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران «ترور افراد را در بصره هدایت می‌کند». بنا به این گزارش، سپاه پاسداران به شبه‌نظامیان مختلف دستور داده است تا افراد مشخصی را بکشند و نحوه کشتن آن‌ها را هم تشریح کرده است. این گزارش می‌گوید در دستورالعمل‌های سپاه پاسداران برای ترور افراد، مشخص شده است که تیراندازی باید به کدام قسمت از بدن صورت بگیرد و در مورد هر فرد مقتول نوع شلیک‌ها باید تغییر می‌کرده تا این‌گونه به نظر بیاید که این افراد در خشونت‌های تصادفی و مختلف کشته شده‌اند.

البته چند فقره از این گزارش‌ها اذعان می‌کنند که منابع خود را محک نزده‌اند و در برخی موارد از صحت آن اطمینان کامل ندارند.

روزنامه نیویورک تایمز، پس از بررسی جزئیات اسناد منتشر شده در ویکی‌لیکس می‌نویسد: گزارش‌های سرویس اطلاعاتی ارتش آمریکا حاکی است یکی از شبه‌نظامیان عراقی به نام «ازهر الدلیمی» که ربودن مقام‌های وزارت آموزش عالی عراق را بر عهده داشته و برای گروگان گرفتن سربازان آمریکایی برنامه ریزی می‌کرده در ایران آموزش دیده است.

بنا به هشدار محرمانه مقام‌های نظامی آمریکایی در بغداد که در تاریخ ۲۲ دسامبر ۲۰۰۶ صادر شده، الدلیمی در یکی از پایگاه‌های حزب‌الله که توسط سپاه قدس سپاه پاسداران در اطراف قم در ایران مدیریت می‌شود آموزش دیده بود.

بخش های دیگری از اسناد ویکی لیکس نشانگر این است که شبه نظامیان دستگیر شده در عراق اعتراف کرده اند که ایران به آن ها راکت، بمب مغناطیسی، بمب های کنار جاده ای و سلاح های دیگری داده است تا از آن ها علیه امریکائیان استفاده کنند. دفتر یادداشت روزانه شبه نظامیان بازداشت شده و انبارهای مهمات کشف شده نیز این موارد را تأیید کرده اند.

بنا بر این گزارش ها، نیروی قدس سپاه پاسداران به آموزش تک تیرانداز های عراقی در ایران اقدام کرده و آن ها را ترغیب کرده است تا دست به ترور مقام های عراقی بزنند.

اسناد منتشر شده در ویکی لیکس، نشان می دهند که مبارزه مرگبار میان شبه نظامیان حمایت شده از سوی ایران و نیروهای امریکائی در زمان باراک اوباما و پس از اعلام سیاست در های باز اوباما به سوی ایران نیز ادامه یافته است.

روزنامه بریتانیائی گاردین، می نویسد: «گم کردن بادکنک معمولاً باعث گریه می شود اما وقتی یک بالن حاوی دوربین های پیشرفته در آسمان رها شود و به سمت ایران برود اشک صاحب آن را حسابی در می آورد.» این روزنامه در ادامه می نویسد که بررسی گزارش های ویکی لیکس حاکی است که در تاریخ ۲۴ اپریل ۲۰۰۶ یک بالن «جی لنز» امریکائی در بصره به خاطر باد شدید از پایه خود رها شده و به سوی ایران رفته است. بالن جی لنز (نام اختصاری برای «حسگر مشترک مشبک هوارو») توانائی ردیابی موشک های کروز را دارد و از آن جا که ایران چنین موشک هائی ندارد ولی امریکا دارد، مزایائی که به دست آوردن چنین بالنی برای حکومت اسلامی دارد مانند روز روشن است.

گزارش دیگری در تاریخ ۵ می ۲۰۰۶ نشان می دهد که مجدداً یک بالن جی لنز دیگر در اردوگاه ابوناجی عماره از پایه خود رها شده و به سوی ایران رفته است. بنا به این گزارش، یک جنگنده اف-۱۸ سعی کرد تا این بالن را پیش از رسیدن به آسمان ایران هدف قرار بدهد ولی به نوشته این گزارش از سرنوشت این جی لنز اطلاعی در دست نیست.

یک گزارش دیگر حاکی است که در ۱۰ اکتبر ۲۰۰۶ یک هواپیمای بدون سرنشین «پردتور» در بصره از کنترل خارج شده و داخل مرز ایران می شود. بعد از این که این هواپیما به مدت هشت دقیقه در ایران پرواز کرد مسؤولان دوباره موفق به بازیابی کنترل شده و «پردتور» را دوباره به خاک عراق هدایت می کنند.

یک گزارش از اپریل ۲۰۰۶ می گوید زمانی که دسته ای از نیروهای بریتانیائی در این تاریخ سوار بر هلیکوپتری با در های باز بر فراز بغداد در پرواز بودند جعبه های حاوی اسناد و کدهای محرمانه آن ها به بیرون می افتد و در خیابان ها پخش می شود.

خبرگزاری فرانسه، با بررسی بخشی از اسناد ۴۰۰ هزار صفحه ای سایت ویکی لیکس، می نویسد: یکی از گزارش های محرمانه ارتش ایالات متحده حاکی است سه امریکائی که به اتهام ورود غیرقانونی به ایران در ژوئیه ۲۰۰۹ بازداشت شده اند به هنگام دستگیری در خاک عراق بوده اند.

این گزارش که در ۳۱ ژوئیه، یعنی در همان روز بازداشت سارا شورد، جاش فتال و شین باوئر نوشته شده می افزاید که این سه تن به هشدارهای احتیاطی بی توجهی کرده بودند، البته این گزارش قید نکرده که این هشدارها از سوی چه منبعی داده شده بوده است.

سارا شورد، آزاد شده و به امریکا بازگشته است اما جاش فتال و شین باوئر هنوز در حبس اند و به گفته مقامات حکومت اسلامی، محاکمه آن‌ها به جرم جاسوسی نزدیک است. گزارش منتشر شده در ویکی لیکس حدس زده بوده که ایران این افراد را به جاسوسی متهم خواهد کرد.

به گفته وزارت دفاع امریکا، از سال ۲۰۰۴ میلادی تا پایان سال ۲۰۰۹ میلادی رسماً ۳۸۸۴ سرباز امریکائی، ۲۲۴ نفر از نیروهای نظامی ائتلاف و حدود ۸ هزار سرباز عراقی کشته شده اند.

بنا به منابع مستقل، بیش از ۹۲ هزار غیرنظامی در جنگ عراق جان باخته اند که مجموع این ارقام بیش از ۱۰۴ هزار کشته را شامل می شود. در هفته گذشته نیز آماری از سازمان های مستقل، مجموع تعداد کشته شدگان را حدود ۱۰۹ هزار نفر برآورد کرده بود.

ویکی لیکس، در ماه جولای نیز بیش از ۷۷ هزار سند محرمانه طبقه بندی شده مربوط به سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ را تحت عنوان «گزارش های روزانه جنگ افغانستان» منتشر کرده است. به گفته مسؤولان وب سایت ویکی لیکس، منبع لو دادن اسناد عراق و افغانستان یکسان است.

اسناد منتشر شده ویکی لیکس، بیشتر یگان های ارتش امریکا را پوشش می دهد و بنا بر گزارش ها، وزارت دفاع امریکا برای ارزیابی پیامدهای احتمالی افشای این اسناد محرمانه تعداد ۱۰۰ کارمند خود را به بررسی این پیامدها گماشته است. پنتاگون نیز اعلام کرده که در حال تحقیقات درباره منبع نشأت این اطلاعات به بیرون است.

دولت افغانستان می گوید در حال بررسی ده ها هزار سند محرمانه وزارت دفاع امریکا از جنگ افغانستان است که از سوی سایت ویکی لیکس افشاء شده است.

ظاهراً دولت افغانستان برای بررسی این اسناد کمیسیونی را متشکل از نمایندگان شورای امنیت ملی و وزارت خارجه تشکیل داده است.

سیامک هروی، یکی از سخن گویان رئیس جمهوری افغانستان به بی بی سی گفته است که این کمیسیون در حال حاضر مشغول بررسی این اسناد است. هروی گفت: «حجم این اسناد زیاد است و برای بررسی آن ها نیاز به زمان طولانی است.»

این سخن گوی رئیس جمهوری افغانستان، افزوده که در پی بررسی این اسناد و اسناد دیگری که قرار است از سوی ویکی لیکس منتشر شود، گزارشی از سوی کمیسیون بررسی این اسناد به حامد کرزی ارائه خواهد شد.

هروی، گفت: «این گزارش برای رسانه ها نیست، بلکه بیش تر برای خود دولت افغانستان است تا در قبال حقایقی که از طرف ویکی لیکس منتشر می شود، راهکارهای مشخصی را در پیش بگیرد.»

حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان نیز با باراک اوباما همتای امریکائی خود در این مورد صحبت کرده است. با گذشت بیش تر از یک ماه از افشای این اسناد، جولیان اسانج، مدیر سایت ویکی لیکس، گفته است که در نظر دارد پانزده هزار سند دیگر را نیز که در دست دارد، منتشر کند. اما او زمانی را برای انتشار این اسناد مشخص نکرده است.

دولت افغانستان از مسؤولان سایت ویکی لیکس، خواسته است که از افشای نام شماری از افغان ها که در از این اسناد ذکر شده خودداری کند.

وب سایت، ویکی لیکس سائیتی است که افشاءگری آن در چهار ماه گذشته، با استقبال زیادی از سوی مردم و کارشناسان مختلف بین المللی در همه کشورها روبرو شده است؛ سائیتی که بنا به ادعای مسؤولانش، این اسناد

محرمانه را از پنتاگون به دست آورده که هراز گاهی با انتشار تعدادی از این اسناد دستگاه های اطلاعاتی امریکا را تحت فشار قرار می‌دهد.

نوع این اسناد به صورتی است که انتشار هیچ کدام از آن ها به نفع دولت و دستگاه های اطلاعاتی و نظامی امریکا و هم پیمانانش نیست. انتشار این اسناد محرمانه با قرار دادن اسنادی راجع به جنگ افغانستان آغاز شد؛ از همان زمان مقامات امریکائی با انواع و اقسام درخواست ها و در پی آن تهدیدها درخواست توقف انتشار اسناد را دادند. سازمان عفو بین الملل، از دولت امریکا خواست خشونت های روی داده در زندان های عراق را مورد بررسی قرار دهد. خانم مونیکا لوکه، دبیرکل این سازمان در المان گفت: «این اسناد نشان می دهند که مقامات امریکائی سالیان دراز از زیرپا نهادن دائمی حقوق بشر باخیر بوده اند.»

ویکی لیکس، سازمانی غیرانتفاعی است که به انتشار مطالب حساسی که روزنامه نگاران و فعالان سیاسی و اجتماعی از مجاری رسمی قادر به انتشار آن ها نیستند می پردازد و تأمین مالی آن از سوی فعالان حقوق بشر انجام می گیرد.

این افشاگری، بزرگ ترین درز اطلاعات امنیتی در تاریخ امریکا به شمار می رود، و تاکنون سابقه نداشته که چنین حجم عظیمی از داده های محرمانه ارتش امریکا منتشر گردد. حال در پشت پرده این افشاگری ها چه سیاست و ستراتیژی خوابیده اما چیزی از این واقعیت کم نمی کند که خود این افشاگری علیه جنگ و کشتار، از نظر اجتماعی و سیاسی کار ارزنده و مهمی است.

امروز اکثر کشورهای پیشرفته صنعتی، هم انبارهای بزرگ سلاح های مخرب و کشتار جمعی و کلاhek های اتمی و شیمیائی را در اختیار دارند هم بزرگ ترین صادرکنندگان سلاح در سطح جهان هستند. بسیاری از سیاست مداران که به شرکت ها و صنایع چند ملیتی و اسلحه سازی وابسته اند جنگ و کشتار و تروریسم را در جهت گسترش بازارهای فروش سلاح و غیره خود و دولت شان می بینند. بنابراین، دولت های قدرت مند و در رأس همه دولت امریکا و متحدانش همواره به دنبال سوژه، سناریو و دشمن می گردند تا با راه اندازی جنگ و یا فضای جنگی و ناامنی، شرکت ها و صنایع خود را فعال تر و سودآورتر نمایند و به سلطه گری خود ادامه دهند. در واقع بحث در رابطه با اشغال نظامی افغانستان و عراق نیز در ادامه همین سیاست های میلیتاریستی باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. دولت هائی چون حکومت اسلامی ایران، در جهت تروریسم، میلیتاریسم و دست یابی به سلاح های کشتار جمعی، میلیادرها دلار از سرمایه های کشور را در این سال ها به باد داده است که این مبالغه گفت می توانست در خدمت رفاه مردم و سازندگی کشور مورد بهره برداری قرار گیرد. بنابراین پرواضح است که اتخاذ ستراتیژی جنگی و با در اختیار داشتن سلاح های کشتار جمعی به نفع انسان و آزادی هایش نیست. از این رو، باید از هر طریق ممکن با جنگ، اشغال نظامی، تروریسم و تولید سلاح به ویژه سلاح های کشتار جمعی به مخالفت برخاست و بر خلع سلاح عمومی در جهان و نابودی سلاح های کشتار جمعی تأکید کرد.

مسلمان، برای جلوگیری از هر جنگی، تقسیم عادلانه ثروت در همه جوامع بشری و تبلیغ و ترویج همبستگی طبقاتی کارگران و همه انسان های آزاده و هم چنین نقد و افشای سیاست های فاشیستی و تفرقه انگیز و جنگ طلب دولت ها و گروه های تروریستی و خشونت طلب و غیره یک ضرورت اجتماعی، سیاسی و انسانی برای جلوگیری از فجایع انسانی است.

امروز متأسفانه علاوه بر جنگ های موجود، محیط زیست و زندگی بشر نیز توسط شرکت ها و کارخانه های تولیدکننده سلاح های هسته ای و شیمیایی و حتا نگهداری آن ها به تشویش و نگران عمومی و دایمی شهروندان تبدیل شده است.

در چنین شرایطی، این سؤال اساسی مطرح است که چگونه می توان جلو جنگ و تروریسم دولتی و غیردولتی را گرفت؟ نخست باید ستراتیژی «دشمن سازی» و ستراتیژی تولید و گسترش هسته ای را که بازی بسیار خطرناکی است عمیقاً مورد نقد و افشاءگری قرار داد. شاید جواب دادن به این سؤال سخت باشد اما آن چه که روشن است صلح پایدار و عزم و اراده مردم برای جلوگیری از بروز جنگ، خشونت و تروریسم، تنها با برقراری آزادی، تقسیم عادلانه ثروت و تأکید بر این که همه انسان ها با هر تفاوتی با همدیگر برابرند و هیچ خصومت و دشمنی نیز با همدیگر ندارند، امکان پذیر است. در این راستا، بیش از هر کس نویسندگان و روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان آزادی خواه و برابری طلب و انسان دوست وظیفه داوطلبانه و آگاهانه ای دارند که با نقد نظریه هائی «دشمن سازی» و تفرقه افکنی بین جوامع مختلف، همواره به دوستی و همبستگی انسانی تأکید کنند تا افکار عمومی قدرت مندی ساخته شود. متأسفانه کم نیستند احزاب و سازمان هائی که به قدرت می رسند صرف برای پیش برد اهداف اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک و نظامی خود، به هر راهی حتا تروریسم و جنگ نیز متوسل می شوند. آن ها نخست جهان را ناامن نشان می دهند و سپس اهداف نظامی گری و سلطه جوئی خود را پیش می برند. برای نمونه، در این مورد می توان به موضع گیری ها و سیاست های دولت امریکا پس از واقعه تروریستی ۱۱ سپتامبر اشاره کرد.

کشتارهای دسته جمعی، سرکوب های سیاسی مداوم، شکنجه و اعدام، ترور و وحشت و جنگ های ویرانگر نشانه هائی خوف انگیز در جهان مدرن امروز ما هستند. بر این اساس، رشد و گسترش آگاهی بشر به مسایل جهانی و به ویژه این که بازندگان همه جنگ ها و ترورها و خشونت های سیاسی مردم عادی، مزدبگیر و آزادی خواه و عدالت جو هستند کم ترین شکی نیست. تنها برندگان خشونت، جنگ و ترور، اقلیتی سرمایه دار به ویژه صاحبان صنایع بزرگ چند ملیتی و شرکت های تولیدکننده سلاح و احزاب و دولت های وابسته به آن ها هستند.

همان طور که «کارل فون کلاوزویتس»، مهم ترین نظریه پرداز جنگ در عصر مدرن، در کتاب «فیلسوفان جنگ و صلح»، از جمله نوشته است: ما از زمان جنگ های ناپلئونی بسیار فاصله گرفته ایم - زمانی که فیلسوفان ناپلئون را «روح سوار بر اسب جهان» تصور می کردند و موسیقی دانان به افتخارش سمفونی می ساختند؛ امروز دیگر جنگ فیلسوفان را مجذوب خود نمی کند، بلکه در دل آنان هراس می اندازد. جلوه های قهرمانی جنگ در موسیقی گذشته جای خود را به ترس و تشویش داده است. موسیقی زمان ما آواز جنگ سر نمی دهد، جنگ را فریاد می زند. فریاد انسان وسیله برگزیده موسیقی می شود تا بتواند وحشت نظام مند از جنگ را به ما القاء کند... در حقیقت، خو گرفتن به وحشت از خود وحشت نفرت بارتر است.